

بازآفرینی رویداد مدار در بازیوند استخوانبندی شهرهای تاریخی (موردپژوهی: ساختار هم پیوند شیراز تاریخی)

سهیل لطفی (دانشیار شهرسازی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، نویسنده مسئول)

slotfi@shirazu.ac.ir

مهسا شعله (استادیار بخش شهرسازی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران)

msholeh@shirazu.ac.ir

خلیل حاجی پور (استادیار شهرسازی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران)

khajipoor@shirazu.ac.ir

سینا جنگجو (دانش آموخته کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران)

sina.jangjoo@gmail.com

افروز فلاح منشادی (دانش آموخته کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران)

afrooz.fallah@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳

صص ۱۷۱-۱۹۳

چکیده

بازآفرینی شهری، در پی یابش و بازتبلور بن‌مایه تکوین ساحت کارکردی و کالبدی شهر است. بازآفرینی مبتنی بر رویداد، با کاوش، فهرست‌نگاری، تثبیت، احیاء و روزآمد نمودن رویدادهای مبتنی بر فرهنگ و پیشینه آئینی، رهیافتی همه‌شمول را بنیان می‌نهد که به تداوم حیات محتوایی و ارتقاء کیفیت کالبدی می‌انجامد. روند تاریخی تکوین ساختار فضایی شهر شیراز، همواره بر نوعی قلمروگرایی آئینی-مذهبی استوار بوده، که در آن بستر کالبدی به عنوان متغیر مستقل، میزان متغیر وابسته طیف رویدادها با ماهیت‌های گوناگون بوده است. بازشناسی ساختار فضایی و استخوانبندی آئینی شهر، به همراه بازخوانی پیشینه آئین‌مبنایی که در شرایط امروز با فهرستی از رویدادهای فرهنگی مکمل همراهی خواهند نمود، بازآفرینی استخوانبندی آئینی شهر و ترمیم گسست‌های کالبدی-فضایی به واسطه تداوم و تحکیم غنای تاریخی-محتوایی را هدف قرار می‌دهد. تدوین و ارائه راهکارهای مرتبط با این فرایند، هدفی است که در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته است. تدوین چارچوب مفهومی پژوهش از طریق جمع‌بست مطالعات پیشین به انجام رسیده و نقش تاریخی قلمروهمگانی و پیوستار مکان‌های آئینی در استخوانبندی رویدادمبنای شهر، بازخوانی شده است. سپس با کاربست مدل راهبرد استراتژیک SOAR و ماتریس ANSOFF فهرستی از راهبردهای مرتبط با رویدادمداری استوار بر زمینه تاریخی-فرهنگی تدوین شده است. دستاورد تحلیل و ارزیابی شرایط دوگانه بستر و محتوا، شامل پس‌نگشتی بر ساختار هم‌پیوند شیراز تاریخی و رویدادهای آئینی-مذهبی جاری در ساختار، منتج به مجموعه‌ای از راهبردها گردیده، و متعاقباً سیاست‌های متناسب برای دستیابی به اهداف بازآفرینی رویدادمدار را پیشنهاد شده است.

کلیدواژه‌ها: استخوانبندی آئینی-مذهبی، بازآفرینی شهری، رویدادمداری، رویدادهای آئینی، شیراز

۱. مقدمه

با گسترش شهرها، یکپارچگی عملکردهای شهری از بین می‌رود و اهمیت فضاهای همگانی در جامعه و در زندگی شهری کمتر می‌شود و این فضاها تبدیل به «فضاهایی تهی» می‌شوند، فضاهایی انتزاعی اما فاقد ارتباط انسانی متداوم (سنت و فلاور^۱، ۱۹۹۴). در حال حاضر، رویدادها به عنوان وسیله‌ای برای ارتقاء اقتصاد شهری، حمایت از فرهنگ، هدایت توسعه مجدد شهری، انسجام اجتماعی و جای‌گذاری شهرها در نقشه جهانی مطرح هستند (اسمیت^۲، ۲۰۱۲؛ سیلوانتو^۳ و همکاران، ۲۰۰۵). شهرهای امروزی، نسخه پیشین «بسازید، مردم می‌آیند» را با نسخه جدید «میزبانی کن، مردم می‌آیند» جایگزین کرده‌اند (ریچاردز^۴، ۲۰۱۴). به منظور تدقیق این موضوع این سوال مطرح می‌شود که آیا رویدادها به اتخاذ پروژه‌های بازآفرینی نیازمندند یا پروژه‌های بازآفرینی به رویدادها؟

همنشینی فرهنگ و فضاهای شهری به عنوان منابعی درونی و باارزش در جامعه، سبب مورد توجه قرار گرفتن راهبردی مؤثر در مرمت و حفاظت شهری درون‌زا شده که همانا توجه به رویداد و رویدادمنداری در شهرها است. برای این راهبرد عنوان «شهر-نمایش» و «شهر-رویداد» برگزیده شده است (لطفی، ۱۳۹۰). فرآیند رویدادمنداری شهرها در گذشته بصورت خود به خودی رخ می‌داد، اما در شهرهای امروزی، این امر نتیجه فرآیند برنامه‌ریزی خواهد بود. در واقع، شهرها مکان‌هایی طبیعی برای رویدادهای ویژه هستند. رویدادها نیز به طور روز افزون با توسعه فضایی شهرها در ارتباط هستند؛ رویدادها انگیزه‌هایی برای بازآفرینی فیزیکی نواحی شهری را موجب می‌شوند و همچنین بازآفرینی نیز الهامی را برای رویدادها فراهم می‌کند (ریچاردز و پالمر، ۲۰۱۰، ص. ۷۳-۷۵). رویدادها شخصیت مکان‌ها را شکل می‌دهند، سبب نقش بستن آن‌ها در خاطره‌ها می‌شوند و در حفظ و نگهداری و حتی ارتقاء آن‌ها کمک می‌کنند (سبته^۵ و همکاران، ۲۰۰۴، ص. ۱۴). هرچه شهر به نمایش و ایجاد رویدادهای بیشتری بپردازد، نیاز به توسعه مکانیسم‌هایی برای رسیدگی به آن‌ها و فضاهایی به منظور میزبانی از رویدادها بیشتر خواهد شد.

نقش رویدادها در بازآفرینی، در چارچوب مطالعات شهری و راهبردهای فرهنگی قرار می‌گیرد. ادبیات نظری مطالعات شهری، اساسی به منظور درک چگونگی توانایی رویدادها برای قرارگیری در بخش وسیع‌تری از راهبردهای نوسازی و بازآفرینی شهری را بر اساس تغییرات و تأثیرات ساختاری شهرها در سطوح اقتصادی، اجتماعی و کالبدی فراهم می‌کند (متسن^۶، ۲۰۱۱). رویدادها و بازآفرینی شهری هر دو مفاهیمی هستند که در قالب زمان معنا می‌یابند. رویدادها در مواقعی خاص اتفاق می‌افتند و زمان را به دسته‌های قبل، حین و بعد از رویداد تقسیم می‌کنند. همچنین فرآیند بازآفرینی شهری نیز به همین نحو در شرایطی خاص صورت می‌پذیرد و زمان را به دسته‌های پیش، حین و

1. Sennet & Flowers
2. Smith
3. Silvano
4. Richards
5. Sabate
6. Matheson

پس از بازآفرینی تقسیم می‌کند. هر دو مفهوم نیز از روش‌های تبدیل فضا به مکان (مکان‌سازی) هستند. ماهیت فضاهای بازآفرینی شده، آن‌ها را به بستری برای رویداد تبدیل می‌کند؛ همچنین رویدادها ابزاری مؤثر برای دستیابی به بازآفرینی هستند. بازآفرینی شهری دربرگیرنده رویدادهاست (کریر و دمزیر، ۲۰۰۲).

در دسته‌بندی رویکردهای گوناگون جریان بازآفرینی در شهرها، جریان بازآفرینی شهری رویدادمبنا در دسته بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ قرار می‌گیرد (لطفی، ۱۳۹۰). در واقع در بسیاری از مناطق جهان، تسهیلات و فعالیت‌های فرهنگی به عنوان محرک و عاملی کلیدی در بازآفرینی کالبدی، اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شوند که در احیای مناطق شهری با وضعیت نامطلوب استفاده می‌گردد (اوانز و شاو، ۲۰۰۴). سازمان همکاری فرهنگ در بازآفرینی در بریتانیا، سه رابطه اصلی شامل فرهنگ و بازآفرینی را بیان می‌کند که عبارتند از: بازآفرینی فرهنگ‌مبنا، که در آن فعالیت‌های فرهنگی به عنوان کاتالیزور و محرک بازآفرینی است؛ بازآفرینی فرهنگی که در آن فعالیت فرهنگی کاملاً با راهبردهای منطقه یکپارچه است، در کنار دیگر حوزه‌های محیطی، اجتماعی و اقتصادی؛ و فرهنگ و بازآفرینی که در آن فعالیت فرهنگی بخشی از تصویری بزرگتر است اما تمام فرآیندهای برنامه‌ریزی و توسعه نیست (همان).

در بازآفرینی فرهنگ‌مبنا که رویکردی امروزی و یکپارچه‌نگر است، فعالیت‌ها و رویدادهای فرهنگی را به مثابه عاملی تسهیل‌گر و نیروی محرکه بازآفرینی شهری قرار می‌دهند. در این رویکرد، رویدادمداری محوریت بازآفرینی را به خود اختصاص می‌دهد و رویدادهای فرهنگی از اقبال همگانی خوبی برخوردارند. در جریان فرآیند بازآفرینی فرهنگ‌مبنا، معمولاً از فضاهای شهری استفاده‌های تازه‌ای می‌شود و رویدادها و فعالیت‌های جدیدی که می‌تواند در آینده موجب شهرت و محبوبیت مکان‌ها شود، پیشنهاد می‌شوند (لطفی، ۱۳۹۰). بنابراین در سال‌های اخیر توجه مولفه‌های راهبردهای بازآفرینی شهری به فضاهای همگانی افزایشی قابل توجهی داشته است (هال و هوبارد، ۱۹۹۶). برخی از دلایل توجه راهبردهای بازآفرینی به فضاهای شهری آن است که فضاهای همگانی شهری در ایجاد تصویر مثبت از یک منطقه موثرند و بصورت بالقوه می‌توانند در ارتقاء جذابیت یک ناحیه شهری و جذب سرمایه‌گذاران داخلی موثر باشند؛ فضاهای همگانی به عنوان منابع مفید، محلی و روزمره و عاملی به منظور مشارکت اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند و می‌توانند به بازآفرینی حس تعلق منجر شوند (مک دونالد، ۲۰۱۱؛ اینروی، ۲۰۰۰).

فضاهای همگانی به عنوان مؤلفه‌هایی مفید در استراتژی‌های بازآفرینی شهری با بهبود تصویر شهر و در نتیجه ارتقاء جذابیت یک سایت بازآفرینی‌شده برای سرمایه‌گذاران بالقوه داخلی، عمل می‌کنند (لیم^۶ و همکاران، ۲۰۱۳، ص. ۱۹۳). نقش مهم دیگر فضاهای همگانی، نقش اقتصادی و تجاری است که محور برنامه‌های بازآفرینی قرار

1. Carrière & Demazière
2. Evans & Shaw
3. Hall & Hubbard
4. MacDonald
5. Inroy
6. Lim

می‌گیرد (ارکن^۱، ۲۰۰۷، ص. ۱۱۸). فضاهاى همگانی شهر، بایستی امکان ایجاد ارتباطات اجتماعی و فرهنگی را نیز فراهم آورند (کارمونا و همکاران^۲، ۲۰۱۲). مردم به مکان‌هایی که رویدادی خاص در آن در حال وقوع است بیشتر جذب می‌شوند. حضور و تعاملات اجتماعی می‌تواند فرصت‌های مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی را فراهم آورند و حس تعلق به مکان را افزایش دهند (راد و نگه^۳، ۲۰۱۳).

ریشه رویدادها به دوران قدیمی تاریخ بشری می‌رسد. انسان‌شناسان اجتماعی و فرهنگی حجمی از مستندات رویدادهای مختلفی را که بر پایه وجود و توسعه یک جامعه بشری، از قبیل «جشن‌ها»، «تشریفات مذهبی»، «مراسم»، «مراسم دسته‌جمعی» و «رژه» هستند را در اختیار دارند (وبر^۴ و همکاران، ۲۰۱۲). رویدادها نشان‌دهنده فضاهاى تعامل اجتماعی هستند. چنین فضاهاى، مردم را با ایجاد یک حس «همبستگی» متعلق به یک خرده‌فرهنگ یا جامعه خاص پیوند می‌دهد (سیلوانتو^۵ و همکاران، ۲۰۰۵). از این رو رویدادها به طور فعالانه‌ای در فرآیند مکان‌سازی دخیل هستند. مکان‌هایی که معنا دارند، مکان‌هایی که لذت، تعمق یا بازخورد و از همه مهمتر تجلیل از تنوع فرهنگی و محیطی را بکار می‌گیرند (رایان^۶، ۱۹۹۵، ص. ۷). به این ترتیب شهرها نه تنها به بستر رویدادها تبدیل شده‌اند، بلکه مکان‌هایی هستند که توسط رویدادها تولید شده‌اند (ریچاردز و روتاریو^۷، ۲۰۱۵). اسمیت در سال ۲۰۱۵، عبارت «رویدادی شدن» را پیشنهاد می‌کند که اشاره به «فرآیندی است که از طریق آن فضای شهری با میزبانی از رویدادها ایجاد می‌شود» (اسمیت، ۲۰۱۵، ص. ۲۷). رویدادهای مهم را می‌توان به عنوان یک فرصت عالی برای ایجاد قلمروهای جدید در شهر و برند کردن آن‌ها با استفاده از هویت برآمده از یک رویداد موفق در نظر گرفت (دنسرو و پوتیلی^۸، ۲۰۱۰).

فضای شهری، مکان اصلی وقایع و رویدادهایی است که نقشی خلاق در پیوند امروز با دیروز دارند و گفتمانی خلاق میان امروز و فردا را شکل می‌دهند (حیبی و مقصودی، ۱۳۸۲). خاطره جمعی، خاطره رویدادهای تجربه شده توسط فرد در چارچوبی اجتماعی و در تعاملی دوسویه میان فرد و گروه، از طریق به خاطر آوردن اشیاء، افراد، مکان‌ها و تجربیات است (لویکا^۹، ۲۰۰۸). پیوندهای سنتی، عادات، باورها و مراسم مذهبی از عوامل مهم شکل‌دهی به خاطره‌های جمعی محسوب می‌شوند (ذکاوت، ۱۳۹۱). عموماً خاطراتی که جنبه جمعی پیدا می‌کنند، معطوف به یک رویداد جمعی یا یک مکان جمعی هستند. در بررسی ادبیات مرتبط با خاطره جمعی، کلماتی مانند هویت و استمرار زیاد به چشم می‌خورند. این امر نمایانگر اهمیت وارد کردن عناصر هویتی و سپس استمرار آن‌ها در عرصه

1. Ercan
2. Carmona
3. Rad & Ngah
4. Weber
5. Silvanto
6. Ryan
7. Richards & Rotariu
8. Dansero & Puttilli
9. Lewicka

خاطره‌های جمعی است. از طرفی، خاطره‌های جمعی به عنوان بُعدی انکارناپذیر از حیات مدنی، در تعاملی دائمی با جریان مرمت و حفاظت شهری و تعریف شکل شهر مطرح هستند و از سوی دیگر، در اثر جریان دائمی رویدادها و مقدماتی که برای بروز آنها لازم است، خاطره‌های جدید شکل می‌گیرد و صورت‌های تازه‌ای به خود می‌پذیرد (لطفی، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۴).

در ایران گذشته برپایی مراسم جشن‌ها و خرده‌نمایش‌ها در فضایی خاص صورت می‌گرفت که مفاهیمی چون حیات جمعی و مدنی را در تاریخ خود به نمایش گذاشته‌اند (سروری و خزاعی، ۱۳۸۷). سلطان‌زاده به برگزاری جشن‌ها، مراسم اجتماعی، مذهبی و ملی در میدانی حکومتی اشاره می‌کند و تصریح می‌کند در بخشی از اینگونه میدانی که مشرف بر مراسم بود، یک عمارت حکومتی و دیوانی قرار داشت که در هنگام برگزاری یک آیین اجتماعی، مذهبی یا حکومتی، حاکم و اطرافیان وی در آنجا مستقر می‌شدند و به تماشای مراسم می‌پرداختند و سایر گروه‌های اجتماعی و مردم نیز در پیرامون میدان استقرار می‌یافتند و فضای باز میانه میدان نیز عرصه برپایی آیین‌ها بود (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲، ص. ۹). برخی از آیین‌ها و آداب مذهبی و اجتماعی نیز در معابر عمومی و فضاهای شهری برگزار می‌شد. به عنوان نمونه مهم‌ترین تشریفات مذهبی مورد حمایت دربار قاجار مراسم محرم و صفر بود. این مراسم فرصتی فراهم می‌آورد که شاه قاجار با حمایت مالی و معنوی از برگزاری تعزیه و مراسم سینه زنی، در یک زمان واحد، با مردم پایتخت در یک فضای مشترک حضور یابد. در تهران قبل از گسترش دوره ناصری، میدان ارگ و بعدها دو بنای جداگانه در داخل ارگ موسوم به تکیه دولت این فضای مشترک را فراهم می‌آوردند (رضوانی نراقی، ۲۰۱۹). پیرامون دروازه‌های اصلی شهر نیز فضاهای اجتماعی فعالی وجود داشت. این فضاها در ایام تعطیلات محل تجمع مردم و گذران اوقات فراغت افرادی بود که برای تماشای مسابقات کشتی، چوگان، نمایش‌های مارگیران، شعبده، رقص به آنجا می‌رفتند. علاوه بر این، حضور مردم در اینگونه فضاها سبب می‌گشت که گه‌گاه حکام یا مسئولین امنیت شهر، به سبب نشان دادن اقتدار و قدرت حاکمیت، مجرمین را در کنار این دروازه‌ها به دار مجازات بیاویزند؛ مانند میدان اعدام تهران. همچنین مراسم استقبال از شخصیت‌ها و گروه‌های مهم سیاسی، مذهبی و کاروان‌های بازرگانی، مسافری و زیارتی پیرامون این دروازه‌ها جریان می‌یافت (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲، ص. ۱۴۶-۱۴۷).

صحن مساجد و حسینیه‌ها و اماکن همگانی نیز از جمله قلمروهای همگانی به شمار می‌رود که به عنوان بستری برای رویدادهای آیینی-مذهبی توجهات را به خود جلب می‌کردند. حکومت‌های هرمی و پادشاهی ایران، مراسم و تشریفات خاصی را بر می‌تافت که جز در معدود مواردی، اکثراً به سبک تشریفاتی و بدون حضور عامه مردم در کاخ‌ها و عمارت‌های دیوانی صورت می‌گرفت (سپاسدار، ۱۳۸۶، ص. ۲۴). در این مطالعه، تقسیم‌بندی مکان‌های برگزاری رویدادهای آیینی-مذهبی به صورت معابر عمومی، میدانی حکومتی-عمومی، عمارت‌های ایوانی، صحن مساجد و حسینیه‌ها و اماکن عمومی، دروازه‌های اصلی شهر و تقاطع راه‌های اصلی ارائه می‌شود (توسلی و بنیادی،

۱۳۷۲؛ حبیبی، ۱۳۷۸؛ سلطان زاده، ۱۳۷۲؛ حمیدی و همکاران، ۱۳۷۶؛ لطفی و همکاران، ۱۳۹۶). نمی‌توان برای تمامی رویدادهای شهری و مردمی معنایی یکسان قائل شد، بلکه می‌توان گفت که جملگی آن‌ها به جایگاه تاریخی و فرهنگی خود سخت وابسته‌اند و با تکیه بر تمامی فرادادهای اندیشگی جامعه پدید آمده‌اند. هرکدام راه و رسم و معنا و ارزش‌های رفتاری خاص از جامعه را القا می‌کند. آن‌ها از زیست مشترک در متن تاریخ برخاسته‌اند، بالیده‌اند، دگردیس و دگرگون شده‌اند و در هر دوره بار خصوصیتی خاص به خود گرفته‌اند و گاه معنایی تازه یافته‌اند و به تکاملی تکنیکی رسیده‌اند و مایه وافر از ذوق و شوق و سلیق جمعی مردمان را به جلوه درآورده‌اند (آژند، ۱۳۸۵، ص. ۱۳). در راهبردهای بازآفرینی فرهنگ‌مبنای فضاهای شهری، توجه به تاثیرات فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی فعالیت‌ها و رویدادها و همچنین ویژگی‌های کالبدی-فضایی فضاهای میزبان، از اهمیت زیادی برخوردار است. فضاهای میزبان رویداد، گستره‌ای از فضاهای مختلف را که بایستی دارای ویژگی‌های خاص کالبدی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی باشند، شامل می‌شود. همنشینی فرهنگ و فضاهای شهری به عنوان منابعی درونی و باارزش در جامعه، بستری برای تحقق رویدادها در شهر و بازآفرینی فضاهای شهری می‌گردد.

۲. روش شناسی

۲.۱. روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، در دسته تحقیقات کاربردی و توسعه‌ای و روش انجام آن توصیفی-تحلیلی است که بازآفرینی شهری فرهنگ‌مبنای محدوده مطالعاتی را با رویکرد رویدادمداری به عنوان هدف غایی خود انتخاب کرده است. در این راستا پس از تدوین چارچوب مفهومی پژوهش از روش کتابخانه‌ای و مطالعه اسنادی، به منظور دستیابی به مجموعه اطلاعات در ارتباط با مورد پژوهی، از روش مشاهده و برداشت میدانی برای تهیه نقشه عناصر اصلی و استخوانبندی شهر و بررسی ویژگی‌های انواع فضاهای همگانی شهری، محورها، کریدورهای بصری و نشانه‌های شاخص این محور استفاده شده است. پیمایش میدانی به صورت ادواری و در چرخه ای یک ساله به منظور پوشش به گاه شمار مذهبی-آئینی و با هدف مطالعه برآزش درونمایه کارکردی با بستر کالبدی- فضایی یا شیوه انطباق دوسویه ظرف و مظهر به انجام رسیده و داده‌های برداشت شده در ارائه تصویری از رویدادمداری استخوانبندی فضاهای شهری و قلمروهمگانی شهر مورد استفاده قرار گرفته است. سپس وضعیت رویدادهای آئینی-مذهبی در ادوار مختلف تاریخی از طریق مطالعه اسناد مرتبط و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائه راهبردهای بازآفرینی شهری فرهنگ‌مبنا با رویکرد رویدادمداری با مدل راهبرد استراتژیک SOAR و ماتریس ANSOFF انجام شده است. راهبرد SOAR، مدلی است که تلاش می‌کند تمامی ذی‌نفعان و ذی‌نفعانی را در برگیرد که تاکنون به عنوان بخشی از فرآیند برنامه‌ریزی راهبردی به حساب نمی‌آمدند. راهبرد SOAR دارای تفاوت‌های زیادی با سایر استراتژی‌های توسعه است و این به علت پرسش‌هایی است که در آن مطرح می‌شوند و افرادی که در پاسخ به این

پرسش‌ها مد نظر قرار می‌گیرند. این مدل، ترکیبی از راهبرد SWOT و دیدگاه مثبت‌شناسی (AI) است که نخستین بار توسط ژاکلین ام استاروس مورد استفاده قرار گرفت (خاوریان و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۰-۱۳۱). دیدگاه مثبت‌شناسی (AI) در یک برنامه‌ریزی راهبردی بجای تمرکز بر مشکلات و ضعف‌ها و تهدیدها به شناسایی قوت‌های کنونی و فرصت‌های سودبخش می‌پردازد. در فرآیند سستی برنامه‌ریزی راهبردی (به عنوان مثال راهبرد SWOT) چنانچه بخواهیم به لحاظ نظم فکری فرآیند را به دو بخش تقسیم کنیم، بایستی نیمی از تمرکز را بر نقاط مثبت و نیم دیگر را به نقاط منفی اختصاص دهیم؛ حال آنکه ذهن انسان ذاتا به تقویت و تمرکز بر نقاط منفی گرایش دارد. در نگرش مثبت‌شناسی، نقاط مثبت و فرصت‌ها را تا آنجا رشد می‌دهیم که بتوانیم از طریق آن‌ها ضعف‌ها و تهدیدها را پوشش دهیم (همان، ص. ۱۳۱ و استیورز و سینت، ۲۰۱۰، ص. ۵). البته در این راهبرد، تهدیدها و مشکلات نادیده گرفته نخواهند شد، به آن‌ها دوباره شکل داده و توسط ذره‌بینی از ممکنات دیده خواهند شد. شناسایی مجموعه‌هایی با عملکرد و هسته مثبت، چیزهای باارزش و مفید، شبکه‌ها و توانایی‌ها و تفکرات خلاق و در کل هرآنچه را که ما را به سمت پیشرفت می‌کشاند، به ما می‌شناساند. راهبرد مثبت‌یاب SOAR افق تازه‌ای را فراروی دیدگاه‌های سستی برنامه‌ریزی راهبردی می‌گشاید. این افق تازه، با برجسته‌سازی قوت‌ها و فرصت‌ها و آرمان‌های یک مجموعه و درگیر کردن گروه‌های مختلفی از افراد دارای سهم در جامعه همراه است (فیروزی و زادولی خواجه، ۱۳۹۶، ص. ۴).

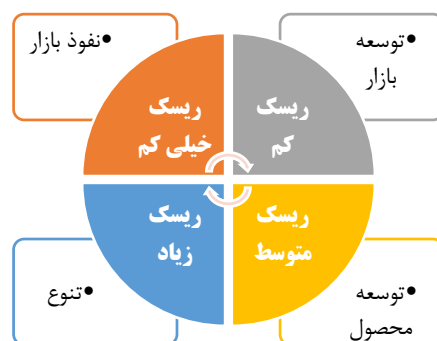


شکل ۱. چارچوب مدل SOAR مأخذ: (خاوریان و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۱؛ استیورز و سینت، ۲۰۱۰،

ص. ۵)

ماتریس یا جعبه ANSOFF نیز تکنیکی تحلیلی در علوم راهبردی است که چارچوبی برای شناسایی فرصت‌های رشد و ترقی مجموعه‌ها فراهم می‌آورد. این ماتریس به یک سازمان و یا مجموعه یاری می‌رساند تا به بررسی اجمالی در مورد رشد سازمان از طریق کالاها، محصولات و بازارهای موجود و یا جدید بپردازد. عموماً هر یک از گزینه‌های رشد، شرایطی چه به لحاظ عوامل داخلی و یا خارجی فراهم می‌کند و ارزیابی‌ها و تحلیل‌هایی بدین نحو در ادامه با هم ایجاد کننده راهبردهایی جایگزین خواهند بود. نکته‌ای که باید بدان توجه گردد این است که قبل از پیشبرد هر ماتریس ANSOFF، می‌بایست تحلیل‌هایی همانند ماتریس SWOT صورت پذیرد. این پژوهش، به دنبال آن است که ترکیبی منطقی از ماتریس ANSOFF با راهبرد استراتژیک SOAR فراهم آورد. پس از شناسایی عواملی همچون، نقاط قوت و فرصت، ماتریس ANSOFF به ارزیابی کاربرد راهبردهای کنونی اتخاذ شده و همچنین راهبردهای پیشنهاد شده توسط چارچوب تحلیل می‌پردازد. باید توجه داشت که عملکرد صحیح و ترکیبی این دو روش به شناسایی صحیح عوامل در وضع موجود و تحلیل هوشمندانه و صحیح موارد بستگی دارد. برای بار نخست، ماتریس ANSOFF توسط برنامه‌ریز سرشناس آمریکایی، ایگور آنسوف ایجاد شد. این ماتریس چهار استراتژی رشد را به عنوان جایگزین ارائه می‌دهد که این عوامل در جدول یا ماتریسی دو در دو جای می‌گیرند. نتایج ماتریس راه‌حلی ساختاری جهت ارزیابی راهبردهای پیشنهاد شده ارائه می‌دهد. به طور کلی چرخه این راهبردها به شرح زیر است (واتس^۱ و همکاران، ۱۹۹۸، ص. ۱۰۳):

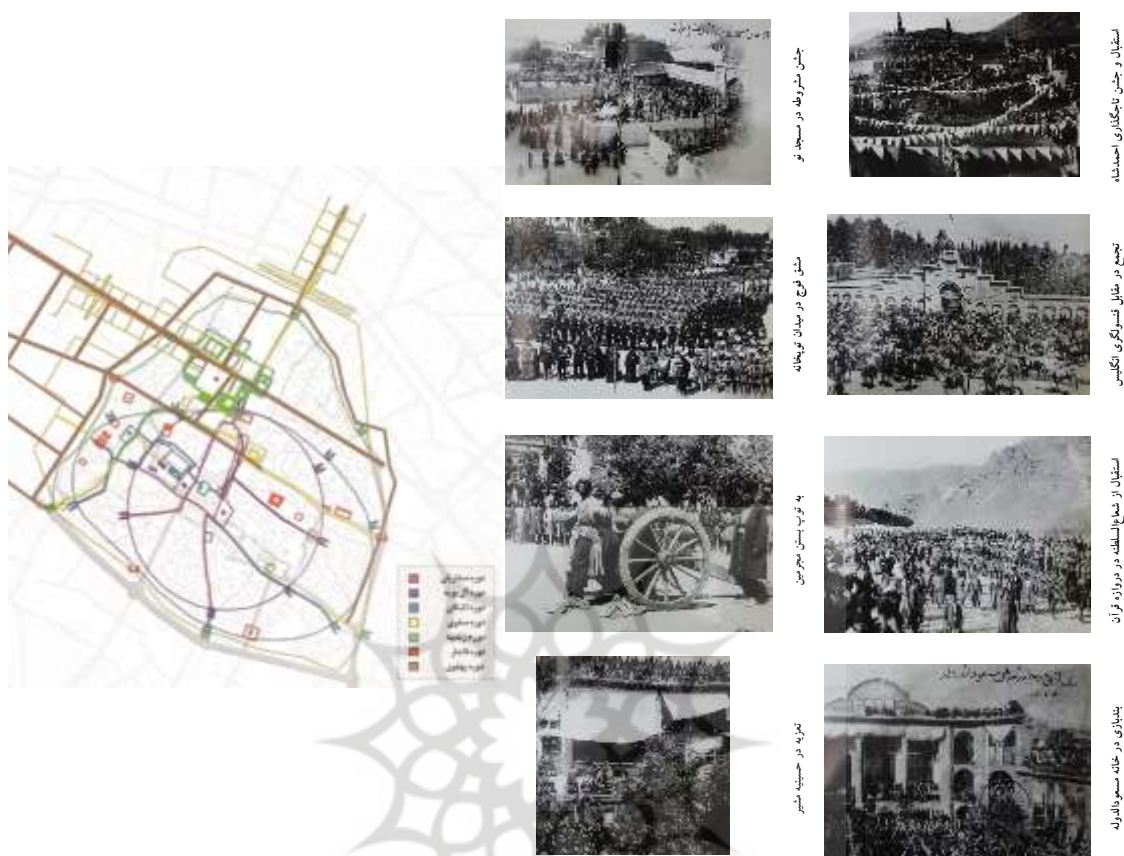
۱. نفوذ بازار: در این گزینه، بایستی وضع موجود را در زمینه ارائه خدمات در بازارهای موجود مورد توجه قرار داد. چراکه موفقیت مجموعه در گرو تداوم وضع موجود با همین وضع بازار و همین محصولات تولید شده می‌باشد.
۲. توسعه بازار: در این گزینه باید مجموعه به دنبال بازارهای جدیدی برای ارائه آنچه اکنون در حال ارائه آن هستیم بپردازد. موفقیت مجموعه در گرو ارائه همین محصولات ارائه شده توسط مجموعه اما در بازارهایی جدید می‌باشد.
۳. توسعه محصولات و خدمات: در این گزینه مجموعه باید بدنبال تغییراتی در خدماتی که ارائه می‌دهد انجام دهد و بدنبال ارائه گزینه‌های جدیدی برای بازار موجود باشد.
۴. تنوع: در این گزینه نه محصولات تولید شده و خدمات ارائه شده مناسبند و نه بازارهای موجود. در نتیجه مجموعه هم باید به دنبال بازاری جدید و هم خدماتی نو باشد (شاول و بیلینگ^۲، ۲۰۱۴، ص. ۲۲).



شکل ۲. شمایی کلی از ماتریس ANSOFF مأخذ: (هاوارد^۱ و همکاران، ۲۰۱۲)

۲.۲. محدوده مورد مطالعه

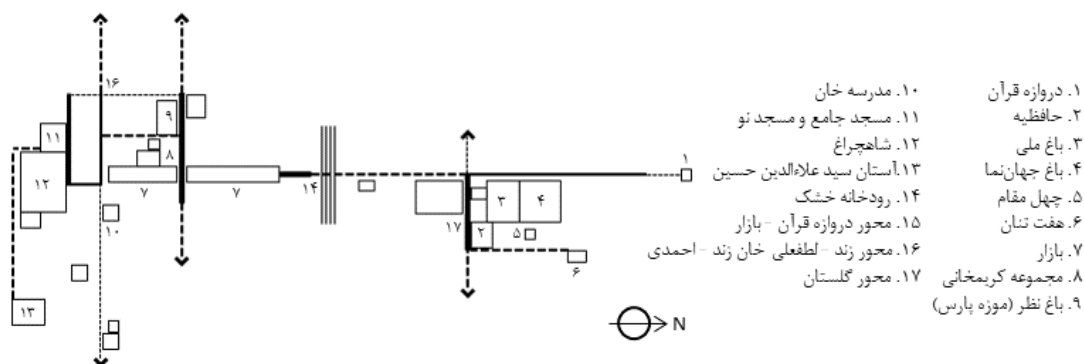
محدوده شهر شیراز و اطراف آن، کانون انباشت میراث کالبدی و فرهنگی وسیع است. وجود آثار متعدد تاریخی بازمانده از یک سیر تحول تاریخی خود گواهی بر این سخن است. پژوهشگران، با رویکردهای مختلف به بررسی سیر تحول تاریخی شهر، با تاکید بر عناصر مختلف پرداخته اند. برخی به بررسی کلیت ساخت اصلی شهر شیراز و سیری که بر آن گذشته است پرداخته اند (حمیدی، ۱۳۷۶؛ بذرگر، ۱۳۸۲). برخی این تحولات را با تاکید بر نقش یک عنصر مذهبی یعنی بارگاه شاهچراغ (ع) سنجیده (کریمزاده، ۱۳۹۳)، یا توجه پژوهش خود را به عنصری چون بازار معطوف کرده اند (جنگجو، ۱۳۹۶؛ صادقی و همکاران، ۲۰۱۹) و یا نقش دروازه‌ها در این تحولات را مورد واکاوی قرار داده‌اند (شعله، ۱۳۸۵) و یا عناصر کالبدی استخوانبندی تاریخی شهر شیراز را به عنوان کلمه‌های سازنده جمله‌هایی فضایی-زمانی و ترکیب و چیدمان این عناصر به منظور شکل دادن به یک الگو و ترکیب معنادار مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند (لطفی، ۱۳۸۴). علاوه بر آنچه که بیان شد، در ارتباط با رویدادهای شهر شیراز نیز پژوهش‌هایی چون بررسی وضعیت رویدادهای ایران و شیراز در دوره‌های مختلف تاریخی و همچنین ارتباط بین رویدادهای شهر شیراز و زمینه‌های آن و یا توصیف و دسته‌بندی این رویدادها صورت گرفته است (لطفی و همکاران، ۲۰۲۲). شکل ۳ شمایی کلی از آنچه که در طول قرن‌ها بر کالبد و رویدادهای شهر شیراز گذشته را بطور موجز به تصویر می‌کشد.



شکل ۳. تکوین تدریجی بستر فضایی پدیداری رویدادهای آیینی-مذهبی در فرآیند تکامل استخوان‌بندی تاریخی شهر شیراز مأخذ: (صانع، ۱۳۸۲؛ شعله، ۱۳۸۵؛ حمیدی، ۱۳۷۶؛ جنگجو، ۱۳۹۶؛ بذرگر، ۱۳۸۲)

۳. یافته‌ها

ماحصل بررسی‌ها و پژوهش‌های تاریخی و تحلیل‌های تخصصی صورت گرفته در دو زمینه رویدادمداری و استخوان‌بندی تاریخی شهر شیراز، این پژوهش را بر آن داشت تا محدوده مطالعاتی مد نظر پژوهش را ساختار هم‌پیوند شیراز تاریخی یعنی محور شمالی جنوبی بافت تاریخی شهر شیراز حدفاصل دروازه قرآن تا حرم شاهچراغ (ع) قرار دهد. محدوده‌ای که دربرگیرنده عناصر اصلی و استخوان‌بندی شهر شیراز در ادوار گذشته بوده و عمده رویدادهای شهر شیراز نیز در این محدوده به وقوع پیوسته است. در ادامه به بررسی ویژگی‌های انواع فضاهای همگانی شهری، محورها، کریدورهای بصری و نشانه‌های شاخص این محور و وضعیت رویدادهای آیینی-مذهبی در ادوار مختلف تاریخی در محدوده پرداخته خواهد شد. همچنین رویدادهای به وقوع پیوسته در این محور طی یک سال بررسی می‌گردد.



شکل ۴. محدوده مطالعاتی پژوهش

با بررسی منابع و متون تاریخی و همچنین مجموعه‌های از نگاره‌ها و عکس‌های موجود با نگاهی تاریخی، سیر تحول رویدادهای شهر شیراز در دوره‌های تاریخی معاصر در جدول ۱ بررسی شده است. در این جدول، وضعیت رویدادهای شیراز در دوره‌های تاریخی از قاجار تا پس از انقلاب اسلامی و دوران معاصر، با تاکید بر وضعیت رویدادها در محدوده مطالعاتی، در دو دسته وضعیت کالبدی و مدیریتی و وضعیت رویدادها مورد مطالعه قرار گرفته است.

جدول ۱. وضعیت رویدادها در شهر شیراز در دوره‌های تاریخی معاصر

دوره	وضعیت کالبدی و مدیریتی	وضعیت رویدادها
قاجار	عدم تغییر شکل ساختاری شهر منبعت از دوران قبل و حفظ مجموعه کریمخانی شامل ارگ، حمام، بازار و مسجد	- برگزاری جشن‌ها، عزاداری و یا مجازات مجرمین در ملاء عام
پهلوی اول	احداث بناهای بسیار با کارکرد دولتی (شهرداری، دیوانخانه، شهربانی، پستخانه و بانک ملی) در مجاورت مجموعه زندیه و تخریب میدان توپخانه - تخریب حصار شهر و خیابان‌کشی‌های بی‌تناسب با ساختار بافت در قالب توده‌ای از شبکه معابر متقاطع در مرکز شهر - تغییر کارکرد ارگ و تبدیل آن به زندان	- برگزاری جشن‌هایی در خصوص تغییر فرهنگ مردمی از قبیل جشن‌های کلاه پهلوی و کشف حجاب
پهلوی دوم	- تبدیل برخی از ساختمان‌های مجموعه زندیه - همچون عمارت کلاه فرنگی، مسجد و حمام - به اماکن گردشگری - تدین پروژه‌هایی به منظور احیای کاروانسراهای درون بازار از جمله کاروانسرای مشیر	- حفظ شیراز به عنوان کهن‌الگوی شهر ایرانی و عدم مدرنیزه‌سازی آن - تهاجم فرهنگی با برگزاری برنامه‌های از بالا به پایین - مانند جشن هنر -
پس از انقلاب اسلامی	- حفظ کاربرد ساختمان‌های مجموعه زندیه مطابق با دوره پهلوی - تدوین پروژه‌هایی به منظور افزایش جذابیت منطقه با ساخت مجدد آن به حالت دوران زندیه (تخریب ساختمان‌های جدید و احداث زیرگذر زند)	- بازگشت به سناریوی مدرنیزه‌سازی شیراز - تغییرات مهم در مدیریت فرهنگی شهرداری و گسترش رویدادهای فرهنگی

مأخذ: (مرکز اسناد تاریخی، ۱۳۸۸؛ سپاسدار، ۱۳۸۶؛ لطفی و همکاران، ۲۰۲۲؛ اهری، ۱۳۹۰؛ مانوکیان، ۲۰۰۴)

در ادامه به بررسی فضاهای همگانی، نشانه‌ها و محورها و کریدورها در محدوده مطالعاتی و ویژگی آن‌ها پرداخته خواهد شد تا بتوان با درکی بهتر از وضع موجود این مجموعه‌ها، به ارائه راهبردهای برنامه‌ریزی به منظور بازآفرینی فرهنگ‌مبنای فضاهای شهری با رویکرد رویدادمداری پرداخت. در این بخش انواع فضاهای همگانی در محدوده مطالعاتی، خصوصیات هر یک از فضاهای محدوده مطالعاتی را بر اساس دو شاخص ارتباط با ساختار اصلی شهر (به لحاظ عملکرد و دسترسی) و همچنین نوع فضا (بر حسب سطح عملکرد، پیشینه، عملکرد اجتماعی و بنیان‌گذاری) بررسی می‌گردد. در بخش بعد نیز محورها و کریدورهای اصلی در محدوده مطالعاتی بر اساس ویژگی‌ها آن‌ها شامل عملکرد، عناصر شاخص طبیعی، عناصر هویت‌بخش، چشم‌انداز و قابلیت به‌افزایی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

جدول ۲. انواع فضاهای همگانی در محدوده مطالعاتی و خصوصیات آن‌ها

نوع فضا بر حسب			ارتباط با ساختار اصلی		فضای همگانی- فراغتی و نشانه‌ها	
بنیان‌گذاری	عملکرد اجتماعی	پیشینه	سطح عملکرد	دسترسی		
بخش عمومی	اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی	مدرن - تاریخی	شهری	×	×	دروازه قرآن
بخش دولتی	اجتماعی - فرهنگی	مدرن - تاریخی	شهری	×	×	حافظیه
دولتی - عمومی	اجتماعی - فرهنگی	مدرن - تاریخی	شهری	×	×	باغ ملی
بخش دولتی	اجتماعی - فرهنگی	تاریخی	شهری	×	×	باغ جهان‌نما
عمومی - دولتی - مردمی	اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی	تاریخی - مدرن	شهری	×	×	شاهچراغ
عمومی - دولتی - مردمی	اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی	تاریخی - مدرن	شهری	×	×	آستان سید علماءالدین حسین
میراث عمومی - دولتی	اجتماعی - فرهنگی	تاریخی	شهری	×	×	مسجد جامع و مسجد نو
میراث عمومی - دولتی	اجتماعی - فرهنگی	تاریخی	شهری	×	×	مجموعه کریمخانی
میراث عمومی - دولتی	اجتماعی - فرهنگی	تاریخی	شهری	×	×	بازار
میراث عمومی - دولتی	اجتماعی - فرهنگی	تاریخی	شهری	-	×	مدرسه خان
میراث عمومی - دولتی	اجتماعی - فرهنگی	تاریخی	شهری	×	-	چهل مقام و هفت تنان
میراث عمومی - دولتی	اجتماعی - فرهنگی	تاریخی - مدرن	شهری	×	×	باغ نظر (موزه پارس)

نوع فضا بر حسب				ارتباط با ساختار اصلی		فضای همگانی-فراغتی و نشانه‌ها
بنیان‌گذاری	عملکرد اجتماعی	پیشینه	سطح عملکرد	دسترسی	عملکردی	
تمام بخش‌ها	اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی	تاریخی - مدرن	شهری - منطقه‌ای	×	×	محور دروازه قرآن - بازار
تمام بخش‌ها	اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی	مدرن	شهری - منطقه‌ای	×	×	محور زند - لطفعلی خان زند - احمدی
تمام بخش‌ها	اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی	مدرن	شهری - منطقه‌ای	×	×	محور گلستان

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

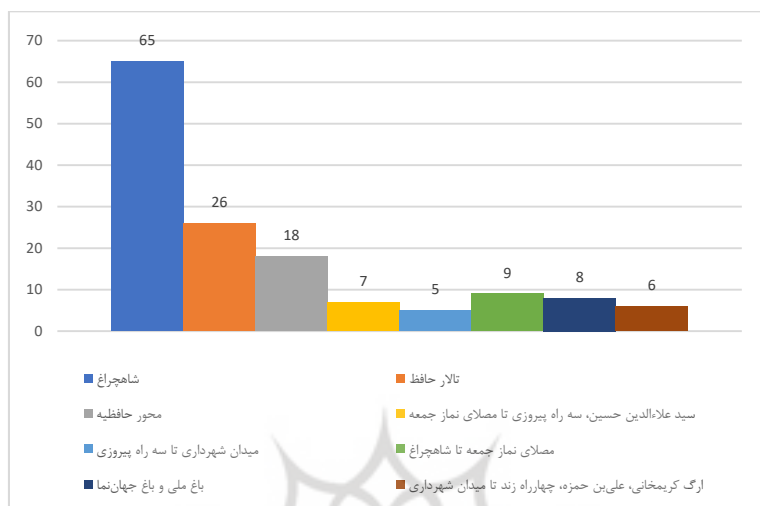
جدول ۳. محورها و کریدورهای اصلی در محدوده مطالعاتی و خصوصیات آن‌ها

ویژگی‌ها					محورها و کریدورها
قابلیت به‌افزایی	چشم‌انداز	عناصر هویت‌بخش	عناصر شاخص طبیعی	عملکرد	
بسیار بالا	دشت و کوه، رودخانه خشک، بافت قدیم	دروازه قرآن، مقبره خواجه، پل علی بن حمزه، سیلو، باغ ملی، حافظیه، باغ جهان‌نما	کوه، تنگه، شیب مناسب	فرهنگی - گردشگری - اقتصادی	محور دروازه قرآن - بازار
بسیار بالا	کوه‌های شمالی	حافظیه، ورزشگاه، ادارات	رودخانه خشک	فرهنگی، اداری، تفریحی، آموزشی	محور گلستان
بسیار بالا	در راستای خیابان‌های شمالی جنوبی، دید به باباکوهی	چهارراه زند، مراکز فرهنگی و گردشگری	-	تجاری، مسکونی، گردشگری، اداری	کحورهای مرکزی (زند، لطفعلی خان زند، احمدی)

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

با پایش رویدادهای شهر شیراز در طول سال ۱۳۹۸ با استفاده از مطالعه اسنادی آرشیو صدا و سیمای فارس و روزنامه خبر جنوب، مشخص شد که محدوده مطالعاتی با وجود آنکه تنها در حدود ۱ درصد از مساحت قانونی شهر شیراز را به خود اختصاص داده است، پذیرای ۶۷ درصد از کل فراوانی رویدادهای شهر شیراز است. نگاهی دقیق به نحوه توزیع نوع رویدادها نشان می‌دهد که رویدادهای مذهبی با فراوانی نسبی ۶۹٪ به نسبت بسیار بیشتری در مقابل رویدادهای فرهنگی با فراوانی نسبی ۲۳٪ قرار دارند. علاوه بر این، توزیع رویدادها در مکان‌های مختلف متناسب نیست؛ به گونه‌ای که از مجموع ۱۵۶ رویدادهای ثبت شده در محدوده مطالعاتی، ۶۵ رویداد در شاهچراغ، ۲۶ رویداد در تالار حافظ و تعداد رویدادهای برگزار شده در بقیه مکان‌ها در طی یک سال کمتر از ده رویداد است. همچنین ۷۶٪ رویدادها در مکان‌ها اتفاق می‌افتد و تنها ۲۴٪ رویدادها در خیابان‌ها و راه‌ها رخ می‌دهند که مراسم عزاداری

مذهبی و یا راهپیمایی های سیاسی هستند. شکل ۵ پخشایش برگزاری رویدادها را در مکان های رویدادی محدوده مطالعاتی (با بیش از ۴ رویداد در سال) نشان می دهد.



شکل ۵. فراوانی رویدادها در مکان های رویداد (با بیش از ۴ رویداد در سال) در محدوده مطالعاتی

پس از بازخوانی رویدادهای آیینی-مذهبی در ادوار مختلف تاریخی، این نتیجه حاصل می شود که فعالیت ها و رویدادهای فرهنگی به عنوان عامل تسهیل گر و نیروی محرکه بازآفرینی شهری تلقی می گردند و «رویدادمداری فضاهای شهری» به عنوان محوریت این نوع بازآفرینی قرار دارد. نکته اصلی در محدوده مطالعاتی و محور شمالی-جنوبی شیراز، پتانسیل های تاریخی، فرهنگی و مذهبی بوده که به دلیل عدم همپوندی و انسجام فضایی، فاقد کیفیت لازم برای ایجاد پیوستار فضایی-مکانی رویدادمدار است. به نظر می رسد برنامه ریزی رویدادمداری موثر در بهره گیری از بن مایه های مذهبی، فرهنگی و تاریخی این محور به عنوان یکی از ارزشمندی های استخوانبندی بافت تاریخی شیراز است. به این منظور برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائه راهبردهای بازآفرینی رویدادمدار در بازپیوند استخوانبندی شهرهای تاریخی، مدل راهبرد استراتژیک SOAR و ماتریس ANSOFF ارائه می گردد.

راهبرد SOAR شامل پنج مرحله آغاز و برداشتن گام های ابتدایی، شناخت و بررسی، تصور، نوآوری و اجرا است. در مرحله نخست، ذی نفعان و افرادی که در پیشرفت و توسعه جامعه مد نظر نقش دارند، شناسایی می شوند و از آنان در طی جلسات و یا پرسشنامه هایی نظرسنجی می گردد. مرحله دوم، ارائه راهبردها از طریق شناخت و بررسی ارزش ها، چشم اندازها و نقاط قوت داخلی و شناخت و بررسی محیط بیرونی به منظور خلق فرصت ها و تبدیل آنها به فراخواست ها و نتایج است. در مراحل سوم و چهارم فرآیند، مجموعه قوت ها، فرصت ها، فراخواست ها و نتایج مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت. جدول ۴، حاصل تحلیل اطلاعات و داده ها با استفاده از مدل SOAR است که وضعیت رویدادمداری محدوده مطالعاتی را از منظر نقاط قوت، فرصت ها، نتایج مورد انتظار و فراخواست ها نشان

می‌دهد. این جدول حاصل نظرات تیم برنامه‌ریزی متخصص شامل ۱۵ نفر با بکارگیری دیدگاه‌های ذی‌نفعان درباره محدوده مطالعاتی است.

جدول ۴. تحلیل اطلاعات و داده‌ها با استفاده از مدل SOAR

فرصت‌ها (Opportunities)	قوت‌ها (Strengths)
<ul style="list-style-type: none"> - الگوهای توزیع ارزش‌های معماری و هویت‌بخشی بصورت کانون، پهنه، محور و سایر الگوهای فضایی شکل گرفته بر پایه ارزش‌های مزبور در برخی طرح‌های فرادست - تاکید طرح‌های فرادست بر ارتقاء ساختار فضایی موجود و با تاکید بر مجموعه عناصر و روابط بالقوه و بالفعلی که مبین ارزش‌ها هستند. - ایجاد و گسترش خطوط مترو و وجود چندین ایستگاه در محدوده - وجود تقاضا برای تلقی شهر شیراز به عنوان محیط گردشگری و فراغتی در کشورهای حاشیه خلیج فارس - تمایل سرمایه‌گذاران ایرانی مقیم خارج از کشور در سرمایه‌گذاری در امور گردشگری شهر - افزایش تقاضا برای گذران اوقات فراغت - بازتر شدن فضای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه - گسترش فناوری ارتباطات و اطلاعات و دسترسی به دستاوردهای علمی، فنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جدید - گرایش به پذیرش نقش مردم در فرآیند برنامه‌ریزی و افزایش فرهنگ مشارکت‌جویی در بین مردم - تحول در سیاست‌های گردشگری کشور و تخصیص بودجه برای تجهیز و توسعه زیرساخت‌ها و برنامه‌های گردشگری - ایجاد فرآیندها و زمینه‌های جذب سرمایه‌گذار خارجی و داخلی - نقش و جایگاه پررنگ شیراز به عنوان پشتوانه تامین خدمات تجاری و بازرگانی منطقه - امکان ترکیب و تلفیق فضاهای یادمانی، فضاهای سبز و فعالیت‌های گردشگری - گرایش به تغییر ساختارهای درآمدی شهرداری به منابع پایدار - تلقی گردشگری به عنوان منبعی تجدیدپذیر و پایان‌ناپذیر و دارای سهم قابل توجه در درآمد ناخالص داخلی شهر - گرایش مدیریت شهری و نهادهای عمومی و دولتی به نوسازی و بهسازی منطقه 	<ul style="list-style-type: none"> - وجود برنامه‌های گسترده ملی در زمینه توسعه گردشگری و سهم قاطع شیراز در این برنامه‌ها و تاثیر آن بر افزایش تقاضاهای نیازمند فضا و افزایش پتانسیل‌های توسعه کالبدی شهر - وجود عناصر و پهنه‌های طبیعی و تاریخی با امکان تغییر نوع فعالیت - رودخانه خشک و کوه‌های شمالی به عنوان عامل پیونددهنده محدوده با طبیعت - موقعیت مناسب محدوده و ارتباط آن با شهر به لحاظ وجود دسترسی‌های مناسب به آن - استقرار محدوده مطالعاتی بر استخوان‌بندی و مرکزیت تاریخی شهر شیراز و وجود خاطره تاریخی و عملکرد هویتی - وجود این‌پیه با قابلیت جبران کمبود خدمات پشتیبان گردشگری - تنوع قومی و فرهنگی شیراز - گرایش پایدار به پیش و نگهداری عناصر تاریخی و بازکاربست همساز آنها - گرایش مدیریت شهری شیراز به جنبه‌های تاریخی- فرهنگی و زیست‌محیطی شهر - خاطره جمعی مردم شیراز نسبت به محدوده بافت تاریخی فرهنگی این شهر

نتایج مورد انتظار (Results)	فراخواست‌ها (Aspirations)	معموره‌های کلیدی
<p>جهت ارائه نتایج اجرایی مورد انتظار در این پژوهش از ماتریس ANSOFF بهره گرفته شده است.</p>	<p>- محدوده مطالعاتی، محوری تاریخی فرهنگی، سبب و پایدار در مقیاس شهری است که با برخورداری از عناصر شاخص فرهنگی، تاریخی و مذهبی، با حمایت و ترویج رویدادمداری، عرصه‌های همگانی و فضاهای اجتماعی، نوعی سرزندگی، پویایی و هویت فرهنگی اجتماعی ناب را با لایه‌های شکل‌دهنده نظام اجتماعی شهری تسری می‌بخشد.</p> <p>- محدوده مطالعاتی، محوری با رویدادهای آیینی منحصر به فرد و ویژه، مطابق با ریشه‌ها و زیمه‌های تاریخی و اجتماعی، و با امکان دسترس‌ی همه گروه‌های سنی، جنسی و اجتماعی اقتصادی، امکان انسجام‌بخشی فضایی و قابلیت پیاده‌سازی الگوهای محوری و پهنه‌ای طرح‌های فرادست را قابل تحقق نموده است.</p> <p>- محدوده مطالعاتی، با موقعیتی مرکزی نسبت به بافت شهری شیراز، با پذیرش انواع رویدادهای آیینی و فرهنگی، به قطب جاذب اوقات فراغت، محرک حس یادگیری و آموزش و مقصد اکوتوریسم و گردشگری در مقیاس ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است.</p>	

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

مرحله اجرا به عنوان گام نهایی در این فرآیند و مدل راهبردی، به نوعی تلاش و حرکت به سوی اجرایی کردن برنامه‌های پیشنهادی و دستیابی به نتایج مورد انتظار است. افراد و تیم‌های مختلف برنامه‌ریزی با یکدیگر در پروژه‌های مربوط برای رسیدن به اهداف و نتایج تعیین شده ارتباط می‌یابند. مردم و ذی‌نفعان در هر کجا علاقمند بوده و توانایی اجرایی داشته باشند می‌توانند مشغول به کار شوند. به واقع در طی جلسات ابتدایی با مجموعه وظایف خود و آنچه بایستی صورت بپذیرد آشنا شده‌اند. این مرحله، گامی اجرایی است و می‌تواند در حوزه وظایف مدیریت شهری تحقق یابد. در پایان نیز راهبردها و سیاست‌ها در دو بخش «بازآفرینی استخوان‌بندی آئینی شهر» و «پیوستار مکان‌های آئینی در استخوان‌بندی رویدادمدار شهر» به عنوان دو هدف اصلی بازآفرینی رویدادمدار در بازپیوند استخوان‌بندی شهرهای تاریخی در این پژوهش در ماتریس ANSOFF با چرخه راهبردی چهارگانه آن ارائه می‌گردد (جدول ۵).

جدول ۵. راهبردهای باز آفرینی رویدادمدار با استفاده از ماتریس ANSOFF

سیاست	راهبرد		
<p>- تدوین فهرستی از رویدادهای قابل برنامه‌ریزی</p> <p>- برنامه‌ریزی خلاقانه رویدادها با هدف مشارکت حداکثری مردم</p> <p>- شناخت گروه‌های شرکت‌کننده از نظر گروه سنی و یا گروه‌های خانوادگی یا دوستانه)، میزان تمایل به هزینه در رویداد، محل اقامت، چگونگی اطلاع یافتن از برگزاری رویداد (تلویزیون، روزنامه و ...) با پیش فروش کردن یا رزرو بلیط</p> <p>- شناخت گروه‌های شرکت‌کننده به منظور هماهنگ‌سازی و ارائه برنامه‌ها و فضای شهری متناسب با نیازهای آنان</p> <p>- شناخت مبدا، مقصد و نوع وسیله سفر شرکت‌کنندگان به منظور برنامه‌ریزی‌های حمل و نقلی در خصوص تعداد سفر و نحوه مدیریت آنها.</p>	<p>- تدوین تقویم و سبد رویدادهای آیینی و فرهنگی، برنامه‌ریزی و تدارک برنامه‌ها، نوع سازماندهی، مقیاس و غیره</p>	راهبرد نفوذ	بازآفرینی استخوانبندی آیینی شهر
<p>- فراهم آوردن فرصتی برای هنرهای بومی برای سهیم شدن در تجارب مشترک</p> <p>- مشخص کردن نقش و وظایف شورا در گسترش و نظارت بر رویدادها در همکاری با انجمن‌های محلی، ذی‌نفعان و هنجارهای اجتماعی</p> <p>- حمایت از رویدادها و فستیوال‌ها و فعالیت‌هایی که مطلوب بوده و ویژگی‌های زیر را داشته باشند: خاص (specific)، قابل اندازه‌گیری (measurable)، در دسترس (attainable)، واقع‌بینانه (realistic) و در زمان مناسب (timed) و هوشمندانه (SMART).</p>	<p>- افزایش مشارکت خلاقانه گروه‌های مردمی به خصوص جوانان در برنامه‌ریزی و طرح رویدادها در فضاهای شهری</p>	راهبرد توسعه بازار	
<p>- ارزیابی منابع مالی برای توسعه رویدادها و جشنواره‌ها شامل بودجه‌های دولتی و حمایت اسپانسرهای خصوصی</p> <p>- مشخص نمودن فرصت‌های اقتصادی و اشتغال که در جریان رویدادها و فعالیت‌های فرهنگی رخ می‌دهد.</p>	<p>- افزایش منافع اقتصادی برگزاری رویدادها</p>	راهبرد توسعه محصولات و خدمات	پویستار مکان‌های آیینی در استخوانبندی رویدادمدار شهر
<p>- تدوین و بررسی فهرستی از مکان‌های رویداد</p> <p>- ارزیابی چشم‌انداز کنونی و سیاست‌ها به منظور ارتقای مکان</p> <p>- زیرساخت‌هایی که امکان برگزاری رویداد را به صورتی کارآمدتر برآورده خواهند ساخت و هزینه کارآمدتری خواهند داشت مورد توجه قرار می‌گیرند.</p>	<p>- ارتقاء زیرساخت‌های لازم برای مکان‌های رویدادی مهم‌تر</p>	راهبرد تنوع	
<p>- مروری بر فضاهای باز در مقابل معیارهای مطلوب به منظور اطلاع‌رسانی به منظور توسعه فضاها و مکان‌گزینی برگزاری رویدادها در آنها</p> <p>- تدوین معیارهای مطلوب برای توسعه آینده فضاهای باز و نحوه استفاده از آنها به منظور برگزاری بهینه و مطلوب رویدادها و فستیوال‌ها</p>	<p>- ارتقاء هویت، طراحی و ارزیابی مکان‌ها و فضاها به منظور مطلوبیت آنها برای برگزاری رویدادها</p>		

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۴. بحث

در ادوار گذشته، ساختار هم‌پیوند شیراز تاریخی، بستر تکوین و بازتولید رویدادها اعم از سیاسی، اجتماعی و آئینی بوده است. کانون‌های شکل گرفته طی دوره‌های تکامل ساختاری شهر، هریک به فراخور روح زمانه موسم بالندگی‌شان، زمینه‌ای برای تسهیل و اشاعه ارکان زیست جمعی، شهری و اجتماع‌محور پدید می‌آوردند. بنیان نهادن مساجد جامع، بازارهای متعدد متوالی، مجموعه‌های چندکارکردی، باغ‌ها و فضاهای متنوع شهری، هرکدام سهمی از این جریان تاریخی را بر عهده داشته، و در ایجاد زمینه تداوم رویدادها، نقش ایفا نموده‌اند. دگردیسی پدید آمده در ساختار شهر تاریخی، به مفهوم گسست اجزای ساختار، حذف و ناتوان‌مندی عناصر و فضاها، تضعیف و قطع پیوند میان مراکز، و فقدان هم‌پیوندی الگوی توسعه شهر معاصر با مختصات کالبدی سلف خود، سبب گردیده تا این ساختار اهمیت خود به مثابه بستر پذیرش و میزبانی از رویدادها را تا حدود بسیاری از دست بدهد. به این ترتیب طی فرایندهای برنامه‌ریزی شهری پنج دهه اخیر برای شیراز، همواره تلاش‌هایی برای احیاء، تقویت و یا بازتعریف ساختار و کانون‌های تاریخی صورت گرفته که البته شاید به دلیل تاکید فراتر از واقع به ساختارپردازی کالبدی و غفلت از ساحت محتوایی، توفیق اندکی در این باره حاصل آمده است.

این در حالی است که طی دو دهه اخیر، طراحی و ساخت فضاهای جدید بر مبنای کاربست تجارب فرهنگی، اساس بسیاری از برنامه‌های بازآفرینی شهری در جهان شده است. از آنجا که نواحی شهری روز به روز موقعیت خود را به عنوان مراکز تولید از دست می‌دهند، برنامه‌های بازآفرینی فرهنگ‌مبنا، فرصت‌هایی نو را برای فعالیت‌های اقتصادی ارائه می‌کنند. بر اساس این پروژه‌های بازآفرینی فضاهای همگانی، عوامل موقعیت مکان عبارتند از: دسترسی، راحتی، معاشرت‌پذیری و فعالیت‌ها. هرچه میزان فعالیت‌ها بیشتر باشد، می‌توان ترکیب مناسب‌تری از مردم (برحسب جنس، سن، فرد و یا گروه) مشاهده نمود و هرچه این فعالیت‌ها پراکندگی بیشتری در طول روز داشته باشند، بهتر است (ریچاردز و پالمر^۱، ۲۰۱۰). همچنین در ارتباط با استفاده از فعالیت‌ها و رویدادها در فضاهای شهری و توسعه شهری، برخی پژوهشگران اظهار داشتند که اهمیت فضاهای شهری در بازآفرینی شهری آنجاست که آن‌ها با تشویق فعالیت‌های محلی و رویدادهای خاص که جزئی از لاینفک از میراث شهری هستند، حس مکان و همچنین حس جامعه را موجب می‌شوند (راملی و همکاران^۲، ۲۰۱۸؛ رمضان^۳، ۲۰۱۰، ص. ۲). از همین رو، آنچه در این پژوهش بی‌گرفته شد، کاوش و ارائه راهکاری برای بازآفرینی رویدادمدار فضاها و ساختار تاریخی، با تاکید بر ظرفیت‌سازی و برنامه‌ریزی رویدادهای آئینی-مذهبی است. این راهکارها می‌تواند به مثابه انگیزه‌ای برای بازآفرینی و ارتقاء کیفیت فضاهای شهری، و فراهم آوردن امکان ایجاد پیوستگی اجتماعی و فرهنگی مطرح باشد، و نیز سبب‌ساز تبلور الگوهایی تازه برای برگزاری رویداد در ابعادی متنوع و گسترده‌تر گردد.

1. Richards & Palmer
2. Ramlee
3. Ramezani

همانطور که در بازخوانی پیشینه نظری و مفهوم سازی «رویدادمداری» دیده شد، تمرکز بر احیاء و ایجاد تنوع در مصادیق رویدادها به عنوان نیروی محرکه بازآفرینی شهری (هال و هوبارد، ۱۹۹۶؛ مک دونالد، ۲۰۱۱؛ اینروی، ۲۰۰۰) و عاملی جهت بازتولید روایت های دیرآشنا به مثابه تزریق محتوا به بستر کالبدی مورد توجه قرار گرفته است (لی، ۲۰۰۳؛ لیم و همکاران، ۲۰۱۳؛ ریچاردز و روتاریو، ۲۰۱۵؛ ریچاردز، ۲۰۱۶). تقریباً همه پژوهش های مرتبط با این زمینه، رویکردی توصیفی-تحلیلی را جهت تبیین نقش رویدادمداری در بازآفرینی شهری دنبال کرده، و بستر تحلیل خود را بازشناسی پس زمینه های تاریخی رویدادها و قابلیت برازش و به روزرسانی آن در شرایط شهری معاصر قرار داده اند. آنچه پژوهش حاضر را متمایز می سازد، دسته بندی راهبردهای اجرایی در قالب نتایج مورد انتظار در چهار دسته متناسب با ماتریس ANSOFF است که می تواند راهنمایی دقیق تر برای مجریان راهبردها فراهم آورد. برای دستیابی به آن ارزیابی حاصل از مدل SOAR نیز همانطور که در بخش قبل بدان پرداخته شد، نوعی رویکرد «نرماتیو» یا «هنجاری» را مدنظر دارد، به عبارت دیگر، و به مدد تمرکز همزمان بر محتوا، فرایند و آنچه می تواند به مثابه تعالی شرایط غایی مطرح باشد، رویدادمداری محدوده مورد مطالعه از منظر نقاط قوت، فرصت ها، نتایج مورد انتظار، و فراخواسست هاست که می تواند مورد توجه قرار گیرد و از این زمینه مطالعاتی برای ارزیابی راهبردهای باز آفرینی رویدادمدار با استفاده از ماتریس ANSOFF پشتیبانی نماید.

۵. نتیجه گیری

برنامه ریزی برای بازآفرینی رویدادمدار استخوانبندی تاریخی شهرها بر اساس میراث معنوی مبتنی بر رویدادهای آئینی و مذهبی را می توان میانبری برای دستیابی به آن نوع از بازآفرینی شهری دانست که در بطن خود، تأکید بر درونمایه های فرهنگی و بهره مندی از بالقوگی های نهفته در فرهنگ و باورهای مشترک جوامع شهری را جستجو می کند. چنین رهیافتی، برخوردار از تمرکز درخور به روایت هایی است که دربردارنده ارزش های معنایی قابل تعمیم به برنامه های مدیریتی و توسعه شهری معاصر خواهد بود؛ همان که در بسیار منابع، هدف یا مفهوم نهادینه بازآفرینی شهری تلقی شده است. از همین روی، تلاش برای بهبود کیفیت برنامه ریزی بازآفرینی با تأکید بر رابطه دوسویه فضا به مثابه بستر متعین و ملموس، و رویدادهای آئینی به عنوان محتوای مورد اقبال و بخشی مهم از میراث معنوی و ناملموس، می تواند امری حیاتی در ادامه حیات اقتصادی، اجتماعی و حتی کالبدی شهرها ملحوظ شده، و در روند رو به تحول یا دست کم دگرگونی اجتناب ناپذیر شهرها در نظر گرفته شود. در چنین حالتی، مشارکت و حضور مردم به سبب امر آئینی و شاید سرنمونی، دلبستگی بیشتری به فضاهای شهری، میراث فرهنگی، و لزوم حفاظت از

1. Hall & Hubbard
2. MacDonal
3. Inroy
4. Li
5. Lim
6. Richards & Rotariu

استخوانبندی تاریخی و ارتقاء پیوند میان فضاها در شرایط معاصر شهری به وجود خواهد آمد. بدون در نظر گرفتن راهبردهای بازآفرینی شهری مناسب برای حمایت از این فضاها و میراث ملموس و ناملموس، نمی‌توان امید به بهبود فضای همگانی شهری که به دلیل عوامل طبیعی و انسانی و در طول زمان فرسوده شده‌اند، داشت و اگر این اتفاق نیفتد، فضاها همگانی شهری جذابیت و حضور پویای بازدیدکنندگان خود را از دست خواهند داد و به مرور زمان از بین خواهند رفت. پژوهش حاضر، به مطالعه جایگاه رویداد، به ویژه رویدادهای آئینی-مذهبی، در تدوین راهبردهای بازآفرینی شهری پرداخت. هدف از این مطالعه، بازشناسی و پیوند دوباره میان اجزاء و فضاهایی بود که در همپوندی تاریخی خود، به نوعی تقسیم و تسهیم نقش‌ها را در دل خود سازمان داده، و استخوانبندی تاریخی شهر را به صورت صحنه‌ای برای رخداد انواع متنوعی از رویدادهای آئینی، آماده و منعطف نگاه می‌داشته‌اند. بازشناسی صورت گرفته از رویدادها، با نگرشی بر پژوهش‌های پیشین، امکان ایجاد چارچوبی برای برنامه‌ریزی راهبردی رویدادمدار را فراهم آورد. دستاورد تحلیل و ارزیابی شرایط دوگانه بستر و محتوا، شامل پس‌نگشتی بر ساختار هم‌پیوند شیراز تاریخی، و رویدادهای آئینی-مذهبی جاری در ساختار، منتج به مجموعه‌ای از راهبردها (تدوین برنامه زمانی به عنوان تقویم رویدادها، سبک رویدادهای آئینی، مذهبی و فرهنگی، برنامه‌ریزی و پشتیبانی برنامه‌ها، سازماندهی، مقیاس و دیگر عوامل قابل پیش‌بینی و برنامه‌ریزی؛ افزایش مشارکت خلاقانه گروه‌های مردمی به خصوص جوانان در برنامه‌ریزی و طرح رویدادها در فضاهای شهری؛ افزایش منافع اقتصادی برگزاری رویدادها؛ ارتقاء زیرساخت‌های لازم برای مکان‌های رویدادی مهم‌تر؛ ارتقاء هویت، طراحی و ارزیابی مکان‌ها و فضاها به منظور مطلوبیت آن‌ها برای برگزاری رویدادها) گردید و متعاقباً سیاست‌های متناسب برای دستیابی به اهداف بازآفرینی رویدادمدار را پیشنهاد نمود. نتایج پژوهش به عنوان بخشی از نگاهی پروسعت به برنامه بازآفرینی یکپارچه شهری قابل تأمل خواهد بود، و می‌تواند به مثابه نوعی حرکت آغازین و بسترسازانه تعبیر و از ابزار و روش‌شناسی پیشنهادی، در راستای پیوند میان اهداف توسعه و ارتقاء فضاهای شهری، و درون‌مایه‌های فرهنگی و آئینی بهره‌برداری نمود. در پایان، یادآوری این مهم ضروری می‌نماید که در تداوم رویکرد بازآفرینی یکپارچه شهری، باورهای مشترک، آئین‌ها و رویدادهای آئینی-مذهبی، بی‌تردید مهم‌ترین کنش‌یاران فرآیند بازآفرینی فضاهای شهری و استخوانبندی تاریخی شهرها خواهند بود.

کتاب نامه

۱. آژند، ی. (۱۳۸۵). نمایش در دوره صفوی. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
۲. بذرگر، م.ر. (۱۳۸۲). شهرسازی و ساخت اصلی شهر. شیراز: انتشارات کوشامهر.
۳. جنگجو، س. (۱۳۹۶). جایگاه بازار در شکل‌گیری استخوان‌بندی شهرهای ایرانی اسلامی. شیراز: انتشارات مرجع علم.
۴. حبیبی، س.م.، و مقصودی، م. (۱۳۸۲). مرمت شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. حمیدی، م. (۱۳۷۶). استخوان‌بندی شهر تهران. تهران: انتشارات سازمان مشاور فنی و مهندسی شهرداری تهران.
۶. خاوریان گرمسیر، ا.ر. م.، استاورس، ژ.، و علیان، م. (۱۳۹۲). برنامه‌ریزی راهبردی توسعه گردشگری شهری با استفاده از مدل استراتژیک SOAR (نمونه موردی شهر تفت). برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۷(۳)، ۱۲۷-۱۴۳.
۷. ذکاوت، ک. (۱۳۹۱). شهر، زندگی، زیبایی. نشریه داخلی سازمان زیباسازی شهر تهران، ویژه‌نامه خاطره در شهر، ۱(۳).
۸. سپاسدار، ا. (۱۳۸۶). تاریخ تیاتر فارس. شیراز: انتشارات آوند اندیشه.
۹. سروری، ه.، و خزاعی، ز. (۱۳۸۷). نقش فضاهای شهری در بازآفرینی بافت‌های کهن شهری. مشهد: اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری.
۱۰. سلطان‌زاده، ح. (۱۳۷۲). فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران. چاپ دوم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری شهرداری تهران.
۱۱. شعله، م. (۱۳۸۵). دروازه‌های قدیم در خاطره جمعی شهر معاصر. هنرهای زیبا، ۲۶(۲۷)، ۱۷-۲۶.
۱۲. شعله، م.، لطفی، س.، و فلاح منشادی، ا. (۱۳۹۲). رویدادمداری فضاهای شهری راهکاری برای دستیابی به فضاهای پایدار همگانی. تهران: اولین همایش ملی فضاهای عمومی شهری پایدار.
۱۳. صانع، م. (۱۳۸۲). به یاد شیراز، عکس‌های قدیم شیراز. تهران: نشر منصور صانع.
۱۴. فیروزی، م.ع.، و زادولی خواجه، ش. (۱۳۹۶). مدل استراتژیک SOAR گامی به سوی برنامه‌ریزی راهبردی توسعه‌ی گردشگری شهری (نمونه موردی: کلانشهر تبریز). فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۷(۲۵)، ۲۹-۴۰.
۱۵. کریم‌زاده، د. (۱۳۹۳). واکاوی نقش آرامگاه شاهچراغ در توسعه کالبدی شهر شیراز. مشهد: ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تاکید بر مولفه‌های شهر اسلامی.
۱۶. لطفی، س. (۱۳۸۴). «مقدمه‌ای بر تحلیل ساختاری-دستوری کالبد شهر». هنرهای زیبا، نشریه پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران، ۲۲(۲)، ۱۵-۲۴.
۱۷. لطفی، س. (۱۳۹۰). بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا: تأملی بر بن‌مایه‌های فرهنگی و کنش بازآفرینی. هنرهای زیبا، ۴۵(۴)، ۶۰-۴۷.
۱۸. لطفی، س. (۱۳۹۱). تبارشناسی بازآفرینی شهری: از بازسازی تا نوزایی. تهران: انتشارات آذرخش.
۱۹. مرکز اسناد تاریخی (۱۳۸۸). جشن هنر شیراز. مرکز بررسی اسناد تاریخی، چاپ اول، تهران.

۲۰. اهری، ز. (۱۳۹۰). شهر، جشن، خاطره. نشریه هنرهای زیبا، (۴۷)، ۵-۱۶.

21. Carmona, M., Heath, T.O.T., & Tiesdell, S. (2012). *Public places-urban spaces*. London: Routledge.
22. Carrière, J.P., & Demazière, C. (2002). Urban planning and flagship development projects: lessons from EXPO 98, Lisbon. *Planning practice and research*, 17(1), 69-79.
23. Dansero, E., & Puttilli, M. (2012). Mega-events tourism legacies: the case of the Torino 2006 Winter Olympic Games—a territorialisation approach. *Leisure Studies*, 29(3), 321-41.
24. Ercan, Z.M.A. (2007). Public spaces of post-industrial cities and their changing roles. *Metu Jfa*, 24(1), 115-37.
25. Evans, G., & Shaw, P. (2004). *The contribution of culture to regeneration in the UK: a review of evidence*. London: DCMS;4.
26. Hall, T., & Hubbard, P. (1996). The entrepreneurial city: new urban politics, new urban geographies? *Progress in human geography*; 20(2), 153-74.
27. Howard, R.D., McLaughlin, G.W., & Knight, W.E. (2012). *The handbook of institutional research*. Jossey-Bass.
28. Inroy, N.M. (2000). Urban regeneration and public space: The story of an urban park. *Space and Polity*, 4(1), 23-40.
29. Lewicka, M. (2008). Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past. *Journal of environmental psychology*, 28 (3), 209-31.
30. Lim, H., Kim, J., Potter, C., & Bae, W. (2013). Urban regeneration and gentrification: Land use impacts of the Cheonggye Stream Restoration Project on the Seoul's central business district. *Habitat International*, 39, 192-200.
31. Lotfi, S., Sholeh, M., & Imani, N. (2022). Eventfulness, event modalities, and the dilemma of using outdoor events as a public realm revitalization initiative (Case study: Shiraz, Iran). *Int. J. Architect. Eng. Urban Plan*, 32(2), 1-17.
32. MacDonald, S. (2011). *'Big Society': Social action and the role of public space*. Manchester: CLES (Center for Local Economic Strategies).
33. Manoukian, S. (2004). *History and the Production of the "Culture of Shiraz"*. AKPIA @ MIT - Studies on Architecture, History & Culture.
34. Matheson, C. (2011). *Resource Guide: Events and Urban Renewal: Hospitality, Leisure, Sport and Tourism Network*. London & Newyork: routledge.
35. Pernecky, T., & Lück, M. (2013). *Events, society and sustainability: Critical and contemporary approaches*. London: Routledge.
36. Rad, V.B., & Ngah, I. (2013). The role of public spaces in promoting social interactions. *International Journal of Current Engineering and Technology*, 3(1), 184-8.
37. Ramezani, S., Aziz, Z., Idid, S.Z. (2010). *Public space and conservation of a historic living city: Melaka, Malaysia: Dialogues in Urban and Regional Planning*. London: Routledge.
38. Ramlee, M., Omar, D., Yunus, R.M., & Samadi, Z. (2018). Revitalisation strategies of urban public space in George Town World heritage site. *Asian Journal of Environment-Behaviour Studies*, 4(12), 61-72.
39. Rezvani-Naraghi, A. (2019). From architectural entities to social spaces: Redefining the notions of Takiyeh and Takiyeh Dowla. *International Journal of Islamic Architecture*, 8(1), 141-165.
40. Richards, G. (2014). Eventfulness and the quality of life. *Tourism Today*, 14, 23-36.
41. Richards, G. (2016). *Cultural tourism: Archaeological Displays and the Public*. London: Routledge.
42. Richards, G., & Palmer, R. (2010). *Eventful cities*. London: Routledge.

43. Richards, G., Rotariu, I. (2015). Developing the eventful city in Sibiu, Romania. *International Journal of Tourism Cities*, 1(2), 89-102.
44. Ryan, C. (1995). *Places not spaces: Placemaking in Australia*. L. Barnes, T. Winikoff, C. Murphey, & A. M. Nicholson (Eds), Australia: Envirobook.
45. Sabate, J., Frenchman, D., & Schuster, J.M. (2004). *Llocs amb esdeveniments: Event Places*. Barcelona: UPC Departament d'Urbanisme i Ordenació del Territori: MIT City Design and Development of Urban Studies and Planning, DL.
46. Sadeghi, A.R., Khakzand, M., & Jangjoo, S. (2019). Historical analysis of the role of bazaar on the Formation of Iranian Islamic urban forms, Case study: Shiraz, Iran. *Armanshahr Architecture and Urban Development*, 12(26), 89-101.
47. Schawel, C., & Billing, F. (2014). *Top 100 Management Tools*. London: Springer.
48. Sennet, M., & Flowers, G. (1994). I am now a part of history. *People*, 282-283.
49. Silvanto, S., & Hellman, T. (2005). Helsinki – *The festival city* Arts and culture in Helsinki. L. Lankinen (Ed), Helsinki: City of Helsinki.
50. Smith, A. (2005). Reimagining the city: The value of sport initiatives. *Annals of Tourism Research*, 32(1), 217-36.
51. Smith, A. (2012). *Events and urban regeneration: The strategic use of events to revitalise cities*. London: Routledge.
52. Smith, A. (2015). *Events in the city: Using public spaces as event venues*. London: Routledge.
53. Stavros, J., & Saint, D. (2010). SOAR: Linking strategy and OD to sustainable performance. *Practicing organization development: A guide for leading change*, 3, 377-394.
54. Watts, G., Cope, J., & Hulme, M. (1998). Ansoff's matrix, pain and gain: growth strategies and adaptive learning among small food producers. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 4(2), 101-11.
55. Weber, K., Ali-Knight, J., Foley, M., McGillivray, D., & McPherson, G. (2012). Policy pragmatism: Qatar and the global events circuit. *International journal of event and festival management*, 3(1), 101-115